

نوشته‌ی

## آرمان ذاکری

با مقدمه دکتر سارا شریعتی

مقدمه‌ای بر

مواجهه

با علوم اجتماعی در

سنت‌های شیعی

نگار

نشر نگاه معاصر

مقدمه‌ای بر  
مواجهه  
با علوم اجتماعی در  
متن سنت‌های شیعی

نوشته‌ی  
آرمان ذاکری  
با مقدمه دکتر سارا شریعتی

شر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام  
چینی: فقه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاتظمی) / چاپ اول: ۱۳۹۲  
شماره: ۱ / قیمت: ۱۹۵۰۰ تومان / شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۷-۵۹-۱

نشانی: مینی سیتی - شهرت محلات - فلات مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی  
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe\_moaser@yahoo.com

سرشناسه : ذاکری، آرمان، ۱۳۶۳-

عنوان و نام پدیدآور : مقدمه‌ای بر مواجهه با علوم اجتماعی در سنت‌های شیعی / نوشته آرمان ذاکری؛ با مقدمه سارا شریعتی.

مشخصات نشر : تهران : نگاه معاصر، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۳۵۸ ص.

فروست : جامعه‌شناسی تشیع؛ ۱.

شابک : 978-600-5747-59-1

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.

موضوع : اسلام و علوم اجتماعی.

موضوع : علوم انسانی (اسلام).

موضوع : شیعه - تاریخ.

شناسه افزوده : شریعتی، سارا، مقدمه‌نویس.

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۲ م ۷۲ ذ / BP ۲۳۰

رده‌بندی دیوبی : ۲۹۷/۴۸۵

شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۳۰۰۵۷

مترجم و نویسنده این اثر، در قالب رساله‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، در نوزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰، مصادف با سالروز تولد پدری بزرگ، به جلسه‌ی دفاع رسید و در همان روز و در حالی که مهندس در بستر بیماری به سر می‌برد، ایشان تقدیم شد...

به آن پدر بزرگ، بی‌شواسیر و بزرگ و مراد آنان که در این سال‌ها در راه سعادت مردم، رنجی کشیدند و ما هرگز نتوانستیم به گونه‌ای که در خور بودن آنها بود، کاری برای کاهش رنج آنها انجام دهیم... این «رنج» تاریخی تنها بحث هفته‌ای از پس حوادثی یک بار دیگر چهره خود را به ما نشان داد. درگذشت آن پیر و پس از آن حوادثی که در دل ما می‌گذشت، ما را در هاله‌ای از غم فروبرد و چند هفته بعد صابر بودن را که خود نشانه‌ای از هدایت بود ایستاد.

تقدیم این رساله -اگر ارزشی داشته باشد- به همه‌ی قربانیان این تاریخ پرزخم و درد، سرکوب‌شدگان همه‌ی تاریخ، اکنون معنادارتر می‌گاید.

به همه‌ی رفته‌ها و بازمانده‌ها

به پدر بزرگ و دختر و فرزندش...

به پدر و مادرم و

همه و همه...

همه‌ی مغضوبین تاریخ ایران‌زمین...

## فهرست مطالب

|    |                                                                              |
|----|------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۱ | پیشگفتار                                                                     |
| ۱۵ | مقدمه: در معنا، مصداق و مبانی اجتماعی جامعه‌شناسی تشیع - سارا تریعتی         |
| ۱۷ | از اسلام‌شناسی تا مطالعات اجتماعی تشیع: نگاهی به پیشینه‌ی مطالعات            |
| ۲۸ | در معنا و محدودیت‌های جامعه‌شناسی تشیع                                       |
| ۳۵ | تشیع زیسته: برخی از خوددرکی‌های جامعه‌ی شیعی                                 |
| ۴۰ | ۱. دین همچون نهاد: روحانیت تشیع                                              |
| ۴۲ | ۲. دین همچون «مناسک»: عزاداری                                                |
| ۴۴ | ۳. دین در حرکت: زیارت                                                        |
| ۴۶ | سنجش نسبت اسلام و علوم اجتماعی، مواجهه                                       |
| ۴۸ | منابع                                                                        |
| ۵۱ | فصل اول: برخی صبا‌ح‌ث مقدماتی                                                |
| ۵۳ | ۱. اسلام و علوم اجتماعی در جهان معاصر                                        |
| ۵۴ | الف. مسأله‌ی علوم اجتماعی و دین                                              |
| ۵۵ | ب. مسأله‌ی علوم اجتماعی و استعمار                                            |
| ۵۶ | ۲. اسلام و علوم اجتماعی در جهان اسلام                                        |
| ۶۰ | ۳. دلایل شکل‌نگرفتن رویکرد اجتماعی در اسلام؛ منطق امر اجتماعی یا منطق اندیشه |
| ۶۰ | ■ منطق امر اجتماعی عامل شکل‌نگرفتن نسبت میان دو حوزه                         |
| ۶۱ | ■ منطق اندیشه عامل شکل‌نگرفتن نسبت میان دو حوزه                              |
| ۶۳ | ۴. در اهمیت سنجش نسبت اسلام و علوم اجتماعی                                   |
| ۶۵ | الف. عقب‌ماندگی علمی                                                         |
| ۶۶ | ب. نقش اسلام در پویش یا توقف علوم اجتماعی                                    |
| ۶۶ | ج. مسأله محوری در جامعه‌شناسی                                                |
| ۶۷ | د. لزوم مطالعه‌ی جامعه‌شناختی، تاریخی و معرفت‌شناختی دین                     |

۵. سابقه‌ی بحث از نسبت اسلام و علوم اجتماعی..... ۶۷
۱. علوم انسانی زمینه‌مند..... ۶۹
- II. ابعاد مسأله اسلام و علوم اجتماعی در ایران (تأکید بر دوره بعد از انقلاب ایران)..... ۷۱
۶. چرا دکتر علی شریعتی، علامه حکیمی و آیت‌الله جوادی آملی؟..... ۷۷
۷. پاره‌های توضیحات در باب روش..... ۷۸

## فصل دوم: مفاهیم بنیادی..... ۸۱

- مقدمه..... ۸۳
۱. مفهوم سنجش..... ۸۴
۲. اسلام..... ۸۶
۳. علوم اجتماعی..... ۸۷
- الف. مناقشه: نام‌ها..... ۸۸
- ب. مناقشه‌ی روش‌ها..... ۹۰
- ج. ابژکتیویته؛ شاخص‌های تحلیلی..... ۹۵
- د. مراد از علوم اجتماعی..... ۱۰۴

## فصل سوم: علامه حکیمی و ضرورت جایگاه او در علم و فلسفه..... ۱۰۹

- دست‌نوشته‌ی علامه حکیمی برای نگارنده..... ۱۱۰
- مقدمه..... ۱۱۱
۱. تعریف: مکتب تفکیک..... ۱۱۳
- الف. تاریخچه..... ۱۱۶
- ب. چهره‌ها..... ۱۱۹
- ج. علامه محمدرضا حکیمی..... ۱۲۲
۲. علامه حکیمی و علوم اجتماعی..... ۱۲۶
- الف. مبادی عقلی..... ۱۲۸
- ب. علم..... ۱۳۳
- ج. شاخص‌های مهم: عینیت‌گرایی، انسان‌شناسی، توجه به اقتصاد و تاریخ..... ۱۴۶
۱. عینیت‌گرایی..... ۱۴۶
۱. توجه به عینی‌گرایی قرآنی..... ۱۴۶
۲. نقد ذهنی‌گرایی فلسفه اسلامی..... ۱۴۸
۳. توجه به رابطه‌ی اخلاق و علم‌الاجتماع..... ۱۵۲
- II. انسان‌شناسی..... ۱۵۳
- III. توجه به اقتصاد و تاریخ..... ۱۵۶
۳. نگاهی دوباره به آرای علامه حکیمی در نسبت با علوم اجتماعی..... ۱۶۰

|     |                                                                       |
|-----|-----------------------------------------------------------------------|
| ۱۶۵ | فصل چهارم: آیت‌الله جوادی آملی و ضرورت «اسلامی‌سازی علوم»             |
| ۱۶۷ | مقدمه                                                                 |
| ۱۶۷ | ۱. تعریف: حکمت متعالیه                                                |
| ۱۶۹ | الف. تاریخچه                                                          |
| ۱۷۳ | ب. چهره‌ها                                                            |
| ۱۷۴ | ج. آیت‌الله جوادی آملی                                                |
| ۱۸۰ | ۲. آیت‌الله جوادی آملی و علوم اجتماعی                                 |
| ۱۸۱ | الف. مبانی فلسفی                                                      |
| ۱۹۱ | ب. علم                                                                |
| ۲۰۸ | ج. شاخص‌ها: عینیت‌گرایی، انسان‌شناسی، توجه به اقتصاد و تاریخ          |
| ۲۰۸ | I. عینیت‌گرایی                                                        |
| ۲۱۴ | II. انسان‌شناسی                                                       |
| ۲۱۸ | III. توجه به اقتصاد و تاریخ                                           |
| ۲۲۱ | ۳. چند نکته پیرامون آرای آیت‌الله جوادی آملی و علوم اجتماعی           |
| ۲۲۵ | فصل پنجم: دکتر علی شریعتی و علوم انسانی، مثابه روش                    |
| ۲۲۷ | مقدمه                                                                 |
| ۲۲۸ | ۱. تعریف: روشنفکری مذهبی                                              |
| ۲۳۴ | الف. تاریخچه                                                          |
| ۲۳۶ | ب. چهره‌ها                                                            |
| ۲۳۹ | ج. دکتر علی شریعتی                                                    |
| ۲۵۱ | ۲. دکتر علی شریعتی و علوم اجتماعی                                     |
| ۲۵۶ | الف. مبادی فلسفی                                                      |
| ۲۶۶ | ب. علم                                                                |
| ۲۷۶ | ج. شاخص‌ها: عینیت‌گرایی، انسان‌شناسی، توجه به تاریخ و اقتصاد          |
| ۲۷۶ | I. عینیت‌گرایی                                                        |
| ۲۸۰ | II. انسان‌شناسی                                                       |
| ۲۸۵ | III. توجه به اقتصاد و تاریخ                                           |
| ۲۸۹ | ۳. برخی دقت‌نظرها در رأی دکتر علی شریعتی در نسبت اسلام و علوم اجتماعی |
| ۲۹۳ | فصل ششم: پاره‌ای تأملات نهایی                                         |
| ۲۹۵ | پرسش از سنت: موقعیت علم در سنت‌های فکر اسلامی                         |
| ۲۹۶ | گذری بر تاریخ اجتماعی-سیاسی در نسبت با علوم                           |
| ۳۰۲ | نگاهی به تاریخ اندیشه در نسبت با علوم                                 |

- ۳۱۰ ..... برخی ملاحظات معرفتی: تکثر درونی سنت
- ۳۱۹ ..... برخی ملاحظات در حوزه‌ی امر اجتماعی: بعضی فلاسفه‌ی اسلامی معاصر
- ۳۲۹ ..... دریچه‌ای رو به آینده

- ۳۳۳ ..... منابع □
- ۳۴۹ ..... فهرست اعلام □

www.ketab.ir

## پیشگفتار

آنچه پیش از این خواننده قرار دارد، در حقیقت متن منقح شده‌ی رساله‌ی کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «سنجش نسبت اسلام و علوم اجتماعی» (از خلال مطالعه تطبیقی آثار علامه حکیمی، آیت‌الله جوادی آملی و دکتر علی شریعتی) است که در دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، زیر نظر دکتر سارا شریعتی مزینانی و با مشاورت استاد مصطفی ملاعلی‌اکبر به رشته تحریر در آمد.

متن حاضر در قالب یک مقدمه و شش فصل منبیه شده است. فصل اول (برخی مباحث مقدماتی) به طرح پاره‌ای مباحث کلی در باب اهمیت، جایگاه و سوابق است از نسبت اسلام و علوم اجتماعی اختصاص داده شده است. در فصل دوم (مفاهیم بنیادی) به توضیح سه مفهوم بنیادی پژوهش که در عنوان رساله نیز موجود بوده‌اند، یعنی «سنجش»، «اسلام» و «علوم اجتماعی» پرداخته شد. بخش‌هایی از فلسفی پژوهش ذیل واژدهی سنجش توضیح داده شده است.

در سه فصل بعد به ترتیب سنجش آرای علامه حکیمی، آیت‌الله جوادی آملی و دکتر شریعتی به عنوان نمایندگان سه سنت فکری متفاوت (مکتب تفکیک، فلسفه‌ی اسلام‌پرهیز و تفکری دینی) در نسبت اسلام و علوم اجتماعی انجام شده است. از آنجا که بنا بر مطالعه «تطبیقی» آرای علامه حکیمی، هر سه فصل از ساختار کاملاً یکسانی برخوردارند و مفاهیم یکسانی در هر سه سنجیده شده است. در ادامه فصل تلاش شده منظومه‌ی فکری هریک از سه متفکر، با شروع از مبادی اصلی فکرشان در نسبت اسلام و علوم اجتماعی بازسازی شود. در توصیف آثار آنان سعی شده با ارجاع فراوان به متون اصلی، حتی الامکان توصیفی جامع و خفیه‌ی روزداری، ارائه گردد. در نهایت در فصل ششم، پاره‌ای تأملات حاصل از نتایج به دست آمده در فصل‌های قبلی مورد بررسی قرار گرفته است. مقدمه ارزشمندی که دکتر سارا شریعتی مزینانی بر این اثر نگاشته‌اند، در حقیقت تلاشی برای توضیح پژوهش روزدی عام «جامعه‌شناسی تشیع» است که این پژوهش مقدمه‌ای ضروری برای ورود به آن حوزه قلمداد می‌شود.

ذکر این نکته ضروری است که تمام مباحث طرح شده در این اثر، بر مبنای وقوف به تفاوت‌های ژرف موجود میان معانی مفاهیم در متون سنتی با علوم انسانی جدید و دشواری «هم‌زبانی» این منظومه‌ها نوشته شده و لذا ادعا در این رساله از حد بحث در «زمینه»‌هایی که اگر بسطی ایجابی یابند، شرایط امکان تحولی در منظومه‌ی مفاهیم سنتی را به سمت درکی نو از علوم اجتماعی فراهم می‌کنند، فراتر نمی‌رود. چنین تحولی بی‌گمان در پرتو تذکری جدی به متون علوم انسانی جدید ممکن خواهد شد.



نگارش این رساله مصادف شد با یکی از دوره‌های پرتلاطم تغییرات و حوادث تاریخ ایران (سال‌های ۱۳۸۷



تا ۱۳۹۰). از این رو در وهله‌ی اول باید ادای دین کنم به کسانی که صمیمانه در این مدت تلاش کردند تا شرایط امکان ادامه‌ی تحصیل و دفاع از رساله برای من فراهم شود. از دکتر غلامرضا غفاری معاون آموزشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، از دکتر حسین میرزایی معاون دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، که همواره یاری‌کننده دانشجویان بوده و هستند، همچنین از دکتر سیدمهدی قصری در دو سمت معاونت دانشجویی و بعد از آن معاونت آموزشی دانشگاه تهران که همواره به دانشجویان با حسن نیت می‌نگریست و از تلاش برای کاهش هزینه‌ها برای دانشجویان دریغی نکرد. نهایتاً از اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران که اگر نبودند، بی‌گمان هرگز اینجانب امکان به پایان رسیدن تحصیل خود را نمی‌یافتم؛ احمد الی، محسن جعفری مقدم، محمد پورقاسم، کمال رضوی و دوستان عزیزم مهدی سلیمانی، رضا قاضی نوری، مصطفی کریم‌خان زند.

در سطر دیگر تنظیم این رساله به جهت حجم زیاد آن و مشاورت و همکاری جمعی از بزرگان عرصه‌ی اندیشه ایران در آن مدتی بیش از زمان معمول تهیه یک رساله به طول انجامید و افراد متعددی در تهیه آن به اینجانب لطف و کمک نمودند که به آنجا اشاره می‌کنم.

پیش و بیش از همه باید استاد گرانقدرم دکتر سارا شریعتی مزینانی تشکر کنم که در طول سال‌های شاگردی نزد ایشان، بسیار بیش از استاد راهنما و بسیار بیش از یک دوست، در قامت یک «آشنا» آنچنان که علی شریعتی می‌پسندید، سخاوتمند، دانش و وقت و لطف خود را فراتر از آنچه من لایقش بودم، به من عرضه کرد. در دورانی که به تعبیر دورکیم خدایان «ایم» و خدایان جدید هنوز متولد نشده‌اند و ما در ایام میان‌مایگی اخلاقی به سر می‌بریم، وجود امثال دکتر را تنها می‌توان در این سطح از دانش و منش، کیمیایی است که کمتر قابل دسترس می‌شود و خوشبختانه علیرغم تنگ‌نظری، کمالات و ناسپاسی‌ها، دانشجویان در این سال‌ها نشان داده‌اند که قدردان زحمات ایشان هستند.

تقریباً همه‌ی آنچه را در جامعه‌شناسی آموختم مدیون ایشان البته بسیار بیش از جامعه‌شناسی از ایشان یاد گرفتم. آن‌چنان که اکنون که نگاهی به گذشته می‌کنم، جامعه‌شناسی در برابر آموخته‌هایش برتری می‌آید. بهترین ایام زندگی من، زمانی بوده که زیر نظر ایشان، پروژه‌ای مشترک چون این رساله را پیش برده‌ام. به اینها را مدیون بزرگی و سخاوت اویم. از علامه محمدرضا حکیمی که با وجود مشغله‌های فراوان علمی، بزرگوایه و دغدغه‌هایش مرا پذیرفتند و صمیمانه وقت خود را جهت خواندن فصل تحلیل آرایشان، در اختیارم نهادند و تا آخرین مرحله به گونه‌ای حساس و ناپذیر همکاری کردند. از استاد مصطفی ملکیان که علیرغم ارائه‌ی دیر هنگام اثر به ایشان، بنده را رهبر است خودکدند، اثر را به دقت مطالعه نموده و نکات بسیار ارزشمند و مهمی را متذکر شدند و حین مطالعه اثر، زحمت اصلاحات نگارشی آن را نیز برای حقیر عهده‌دار شدند. متأسفانه بخشی از تذکرات ایشان در این رساله تنها به اشتباهات نگارشی و به دلیل مشکلات اینجانب، مجال بسط نیافت. نگارنده امید دارد که بتواند در آینده‌ی نه‌چندان دور، به صورت مبسوط، آن نکات را با تفصیل بیشتری لحاظ کرده و در نسخه‌ی جدیدی، ارائه کند.

از دکتر یوسفعلی ابادری، دکتر احسان شریعتی و دکتر محمدعلی مرادی سپاسگزارم که بی‌هیچ دریغی وقت خود را برای مشاوره در باب ابعاد مختلف رساله در اختیار من قرار دادند و ساختار یافتن رساله و فهم بسیاری دقایق و ظرایف نظری بی‌اشارات و تنبیهات آنها ممتنع می‌نمود.

از دکتر حمید پارسانیا که با وجود اختلافات نظری جدی با اینجانب، با سعه‌ی صدر و اخلاقی علمی، زحمت داوری رساله را عهده‌دار و نکات مهمی را نیز متذکر شدند که متأسفانه باز به دلیل ضیق وقت اینجانب، در این نسخه

بخشی از آن نکات تفصیل نیافته و همچنان نگارنده در انتظار فراغتی است تا بتواند نسخه کاملتری از این اثر را عرضه کند.

از مدیر انتشارات نگاه معاصر جناب آقای اکبر قنبری و کارکنان این نشر که حداکثر همکاری را در فرآیند انتشار این اثر مبذول داشتند.



همه‌ی این پژوهش را باید تنها گامی مقدماتی و ابتدایی برای ورود به تحقیقات مرتبط با «علوم اجتماعی و نسبت آن با سنت‌های فکر شیعی» دانست. همان‌گونه که سال‌ها پیش ماکس وبر در مقاله‌ی مهم «علم در مقام حرفه» اشاره کرده است: «در علم هر دستاوردی در ظرف ده یا بیست یا پنجاه سال قدیمی می‌شود. علم محکوم به این سرنوشت است و معنای کار علمی دقیقاً همین است. این معنا [پیشرفت] در ذات کار علمی به طور اخص و در سایر حوزه‌های فرهنگ بشری به صور اغراق‌آمیز یافته است. هر «دستاورد» علمی پریش‌های جدیدی مطرح می‌کند و طبیعت کار علمی اقتضا می‌کند که کهنه و قدیمی شود... دستاوردی که مشترک ما و نیز هدف مشترک ما چنین است: کار کردن به امید آنکه دیگران از ما فراتر خواهند رفت. این پیشرفت تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت.»<sup>۱</sup>

لذا چنین پژوهش‌هایی بی‌نهایت می‌توانند توفیق، شرح و بسط علمی در آینده تکمیل و تصحیح گردند و پر واضح است که تمام نقطه ضعف‌های این پژوهش یکبار به نگارنده مرتبط می‌شود و نقد منتقدان راهگشای فهم و رفع این نقاط ضعف در آینده خواهد بود؛ همان‌گونه که برای او اشاره کرده است «هر بار که نقد علمی تقویت شود، علم نیز تقویت خواهد شد.»<sup>۲</sup>

آرمان ذاکری  
آذرماه ۱۳۹۱

۱. وبر، ماکس (۱۳۸۷) دین، قدرت جامعه، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: هرمس، ص ۱۶۰.

۲. بوردیو، پیر (۱۳۸۸) درسی درباره درس، ترجمه‌ی ناصر فکوهی، تهران: نی، ص ۳۰.

## مقدمه

### در معنا و محدودیت‌های جامعه‌شناسی تشیع

سارا شریعی

بیش از یک قرن است که تشیع موضوع مطالعات علمی بسیاری در غرب قرار گرفته است. علوم انسانی اما جز در دهه‌های اخیر کمتر این حوزه توجه نشان داده‌اند. رویکرد اجتماعی به اسلام و مشخصاً تشیع از دهه‌ی هفتاد میلادی به بعد به علل انقلاب ایران گسترش یافت و تشیع که تا دیروز صرفاً به عنوان یکی از مذاهب اسلام شناخته می‌شد، توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه‌ی علوم اجتماعی را به خود جلب کرد. اما در گستره‌ی علوم انسانی، این رویکرد سیاسی بود که بر مطالعات شیعی غلبه پیدا کرد و وجوه اجتماعی و تحولات جامعه‌شناختی تشیع شیعی همچنان در سایه ماند.

در ایران، به عنوان یکی از مهمترین حوزه‌های علمیه شیعی، «جامعه‌شناسی تشیع» اصطلاح غربی است و جز معدود پژوهش‌هایی که با این نام و ابتدأً در خارج از ایران انتشار یافته‌اند، این حوزه همچنان ناشناخته و بکر مانده است. اغلب مطالعات علمی تشیع به تاریخ، فلسفه، کلام و فقه و جریان‌ات فکری اختصاص دارد که در این حوزه شکوفا شده‌اند. برای تشیع زیسته و زیست اجتماعی شیعیان کمتر محل بحث و تحقیق قرار گرفته است. از این رو، تعریف معنا و محدودیت‌ها و همچنین تعیین حوزه‌های تحقیق جامعه‌شناختی تشیع اهمیت می‌یابد. در ایران بازگشت «شرق‌شناسی نو»<sup>۱</sup> که رویکرد ذات‌گرایانه‌ی شرق‌شناسی کلاسیک به اسلام را مجدداً احیا کرده، مطالعات اجتماعی جوامع اسلامی و شیعی، بیش از هر زمان ضرورت یافته است. به این ضرورت به‌دلیل جز از خلال مشارکت رشته‌ها و معارف گوناگون نمی‌توان پاسخی درخور ارائه داد، با این حال هر کسی می‌تواند به سهم خود در این مسیر مشارکت کند.

انتظار می‌رود دانش اجتماعی در مورد جوامع شیعی، در گام نخست از جانب کسانی تولید شود که به این جهان تعلق دارند، کسانی که در این جوامع زیست می‌کنند و سیر تحولات اجتماعی جوامع خود را دنبال می‌کنند. تعلق به جهانی که مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در عین حال که در ادامه‌ی سنت مطالعات

۱. شرق‌شناسی نو به معنای طرح مجدد نظریات ذات‌گرایانه‌ی شرق‌شناسی کلاسیک در خصوص اسلام است. این رویکرد اغلب از جانب جریان‌ات راست سیاسی جهت مقابله‌ی ایدئولوژیک با مسلمانان اتخاذ می‌گردد و جوامع اسلامی را جوامعی ذاتاً خشونت‌گرا، ضد زن یا آمیخته با سیاست می‌خواند.

پس استعماری، بر تولید زمینه‌مند اندیشه برای «ایجاد یک علوم اجتماعی مستقل»<sup>۱</sup> و انتقال متقابل دانش تأکید می‌ورزد، می‌تواند خود به عنوان یکی از محدودیت‌های جامعه‌شناسی تشیع نیز مطرح شده و مورد بحث قرار گیرد. این مقدمه می‌تواند به عنوان طرح بحثی قلمداد شود در معنا و محدودیت‌های آنچه به عنوان «جامعه‌شناسی تشیع» می‌نامیم.

www.ketab.ir

۱. اصطلاحی از حسین العطاس برای شکل‌گیری سنت مستقلی در علوم اجتماعی جهت طرح مسأله‌ی جدید و مفاهیمی نو مبتنی بر تولید زمینه‌مند دانش. (العطاس، ۱۹۷۹: ۲۶۵)، به نقل از فرید العطاس، در «بومی و جهانی»، نوشته‌ی ریاض حسن، ترجمه‌ی ابوالفضل مرشدی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹: پژوهشکده مطالعات فرهنگی، ص ۲۷۵.